

ژوزه ساراماگو

بینایی

ترجمہ
علیرضا شاہری



-
- | | |
|---|----------------------|
| ساراماگو، ژوزه، ۱۹۲۲-۲۰۱۰ م. Saramago, Jose | سرشناسه: |
| بینایی / ژوزه ساراماگو؛ ترجمه: علیرضا شاهری. | عنوان و نام پدیدآور: |
| تهران: مجید، ۱۳۹۲. | مشخصات نشر: |
| ۲۹۶ ص. | مشخصات ظاهری: |
| 978 - 964 - 453 - 092 - 0 | شابک: |
| فیبا | وضعیت فهرست‌نویسی: |
| Ensaio sobre a lucidez: عنوان اصلی: | یادداشت: |
| کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "Seeing , 2006" | یادداشت: |
| به فارسی برگردانده شده است. | |
| داستان‌های پرتغالی - قرن ۲۰ م. | موضوع: |
| شاهری، علیرضا، ۱۳۷۵ - ، مترجم. | شناسه افزوده: |
| ۱۳۹۲ ب ۴ الف / PQ۹۲۷۶ | رده‌بندی کنگره: |
| ۸۶۹ / ۳۴۲ | رده‌بندی دیویی: |
| ۳۲۲۶۴۴۷ | شماره کتابشناسی ملی: |
-



بینایی
ژوزه ساراماگو
مترجم: علیرضا شاهری

چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۲ ه. ش.
۵۰۰ نسخه

نسخه‌برداری و آماده‌سازی: گروه تولید انتشارات مجید

لیتوگرافی مهر، مجتمع چاپ و صحافی تاجیک

طرح جلد: احمد اقلیزاده

همه‌ی حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۳-۰۹۲-۰

ناشر همکار: انتشارات به‌سختن

آدرس دفتر: تهران، انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۴۹۱۵۸۸ - ۶۶۹۷۸۴۵۳

www.majidpub.com

مقدمه

رمان بینایی درحقیقت ادامهی رمان کوری است. خواننده برای آن که بتواند حوادث این کتاب را به خوبی درک کند، لازم است تا اول رمان کوری را بخواند تا به رابطه حوادث این دو رمان پی ببرد.

ژوزه ساراماگو در کوری از بی هویتی آدم‌ها می‌گوید و شناخت آن‌ها را نسبت به خودشان و مسایلی که در اجتماع آن‌ها رخ می‌دهد، به نقد می‌کشد و این بی هویتی اجتماعی و سیاسی آدم‌های یک شهر که پایتخت یک کشور فرضی است، در نماد بیماری کوری ظاهر شده و باعث بروز کوری سفیدی در آن‌ها می‌شود. ساراماگو می‌گوید که این آدم‌ها با وجود نور روشن بودن مسیر زندگیشان آن را نمی‌بینند و دچار کوری سمبلیک شده‌اند. تنها یک نفر است که از این هویت خود و مسایلی که در جامعه می‌گذرد آگاه است و او کسی است که از این بیماری سمبلیک مصون می‌ماند.

در پایان رمان کوری می‌بینیم که آدم‌ها متوجهی هویت واقعی خود شده و چشمشان به مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی خود باز شده و با نگاهی دیگر به دنیای خود نگاه می‌کنند.

در بینایی، تمام آدم‌هایی که از بیماری کوری رهایی یافته‌اند به یک شناخت عمیق نسبت به موجودیت خود و نقششان در اجتماع رسیده‌اند. به خاطر همین هم آن‌ها کوری سفید خود را به برگه‌های رأی می‌دهند و در انتخابات، همگی با یک انسجام هماهنگ، آرای سفید به درون صندوق‌ها می‌اندازند.

از نظر حکومت که مدعی حراست از اصول دموکراسی است و حق آزادی را برای همگان محترم می‌شمارد، این کار مردم آشوب‌طلبی نام می‌گیرد و دولت در پی یافتن کسانی است که در این شورش همگانی دخیل بوده و مردم را رهبری کرده‌اند. راه‌حل حکومت این است که مردم این شهر را دوباره در یک قرنطینه‌ی سیاسی و اقتصادی قرار دهد تا بتواند با فشاری که بر مردم می‌آورد آن‌ها را وادار سازد تا از کار خود اظهار پشیمانی کرده و دوباره در برابر حکومت سرِ اطاعت فرود آورند. اما مردم که این بار به بینایی عمیقی دست یافته‌اند در برابر تمامی فشارها ایستادگی می‌کنند و دولت مستأصل نیز در پی یافتن رهبران این بینایی است.

ژوزه ساراماگو در رمان کوری به انتقاد از کوری سیاسی و اجتماعی مردم می‌پردازد و در رمان بینایی به حکومت‌هایی می‌تازد که به ظاهر خود را مدافع آزادی و دموکراسی دانسته، اما درحقیقت می‌خواهند با نادان نگاه‌داشتن مردم مقاصد خود را پیش ببرند و نشان می‌دهند که نه تنها مدافع آزادی بیان و دموکراسی اجتماعی نیستند؛ بلکه هر نوع آزادی عقیدتی و سیاسی را سرکوب می‌کنند و در این راه از ایجاد رعب و وحشت و ترور و خشونت دریغ نمی‌ورزند.

در پایان رمان خواننده‌ی هوشمند درمی‌یابد که در واقع این حکومت است که اکنون دچار بیماری کوری شده و قادر به درک و تحمل بینایی که همان آگاهی ملی است، نیست.

مترجم